

نشست ناظر محتوی مجلات تخصصی رشد با مشاوران مدارس نواحی اردبیل

پژوهشکده محله - آبان ۱۳۹۱



چالش‌ها و دغدغه‌ها مشاوران مدارس

گزارش نشست عضویت و تحریریه مجله رشد مدارس مشاوران و مدرسه با گروهی از مشاوران استان اردبیل

نصرالله دادار

ز یادآور است و شورانگیز به ویژه در اردبیل؛ به همراه تعدادی از دست‌اندرکاران مجلات رشد به شهر اردبیل آمده‌ایم تا با مخاطبان مجلات و نمایندگان آن‌ها در این استان به گفت‌وگو بنشینیم. تابستان سپری شده است و دیگر خبری از جار و جنجال مسافران و گردشگران در شهر نیست؛ آن‌ها به شهرهای خود بازگشته‌اند. شهر اردبیل ساکت و آرام و آرامش‌دهنده است. برگ‌های زرد و نارنجی درختان در کنار خیابان‌ها، چهره زیبایی به شهر داده‌اند. همه چیز جذاب و دیدنی است. انگار شهر را نقاشی کرده‌اند. اگر چه پاییز است، ولی هوای شهر هنوز سرد نشده و برخلاف هوای تهران که سالی ۲۰۰ روز پر از دود و دم است، هوای اینجا بسیار پاک و سالم است. احساس سبکی و طراوت خاصی داریم و به قول دوستان شوق پرواز. عقربه‌های ساعت، ۸:۳۰ صبح را نشان می‌دهند. باید از هم جدا شویم و به سراغ مأموریت‌هایمان در این سفر برویم. دوستان هر کدام در این سفر وظیفه خاصی دارند. وظیفه ما حضور در نشست گروهی

از مشاوران مدارس استان اردبیل است. از دوستان جدا می‌شویم و به سمت مرکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی دانش‌آموزان استان اردبیل حرکت می‌کنیم. فاصله زیادی نیست. چند لحظه بعد وارد این مرکز می‌شویم. طاهر اصلانی، رئیس مرکز، و الله‌وردی خسروی، رئیس گروه مشاوره آموزش و پرورش استان، از ما استقبال می‌کنند. با راهنمایی آن‌ها وارد سالن اجتماعات مرکز می‌شویم. گروهی از مشاوران مدارس در آنجا حضور دارند. سلام و احوال‌پرسی می‌کنیم. خسروی برنامه نشست را اعلام می‌کند و نشست رسماً آغاز می‌شود. در ابتدا، ابوالفضل نفر، عضو هیئت تحریریه مجله رشد مشاور مدرسه و ناظر محتوایی مجلات تخصصی رشد، ضمن معرفی خود و طرح تحول بنیادین، هدفش را از این سفر توضیح می‌دهد و از مشاوران استان می‌خواهد که درباره مجله رشد مشاور مدرسه، مشکلات کاری خود، راهکارهای پیشنهادی و... صحبت کنند. گزارش این نشست را پی می‌گیریم.

داستان، کارشناس مشاوره ناحیه یک اردبیل:

مجله رشد مشاور مدرسه از نظر دانش افزایی خوب است؛ ولی با آنکه در دیدگاه اسلام، تربیت مقدم بر تعلیم است. اکنون برنامه درسی دانش آموزان پر از محتوای آموزشی است و جایی برای مشاور مدرسه وجود ندارد که با دانش آموزان ارتباط برقرار کند و مشکلاتشان را حل کند. با وجود این، الان مشاوره را به مدارس ابتدایی هم تعمیم داده اند. متأسفانه هنوز مشاوره جایگاه حقیقی خود را در مدارس پیدا نکرده است. آیا مشاور مدرسه در مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه زنگ تفریح می تواند برای دانش آموزان کاری کند؛ بسیاری از مشاوران هنوز اتاقی برای مشاوره ندارند.

واقعاً چه برنامه ای برای تربیت در مدارس وجود دارد؟! رویکرد و جهت گیری فقط آموزشی است. این یک نقص است. فلسفه وجودی مجله رشد مشاور این است که مشاورها با مطالعه آن بتوانند مشکلات دانش آموزان و مدرسه را حل کنند اما متأسفانه این کاربرد را ندارد و بیشتر برای دانش افزایی خوب است. الان صرفاً رقابت مدیران بر سر توزیع هرچه بیشتر مجلات میان دانش آموزان است؛ در حالی که در بسیاری از مدارس مجله را حتی ورق هم نمی زنند. در واقع، مطالب آن از نظر دانش افزایی و علمی سطح بالایی دارند اما محتوایش کاربردی نیست. از طرفی قبلاً برای ۱۲ نفر دانش آموز یک ساعت مشاوره در نظر می گرفتند اما الان این یک ساعت برای ۱۵ نفر شده است.

از سوی دیگر، مشاوران در طبقه بندی در گروه دوم قرار گرفته اند. آن ها نمی توانند غیرموظفی بگیرند و اکثراً از این مسئله ناراضی هستند. آیا شما ارزیابی کرده اید که این مجلات رشد چه اندازه مورد استقبال و استفاده قرار می گیرند؟ آیا مسئولان توجه لازم را دارند؟

نفر: شمارگان مجلات رشد سالانه بالای ۳۰ میلیون نسخه است پس مخاطبان از آن ها استقبال می کنند. از طرفی، مجلات خودکفا هستند و به اندازه هزینه خودشان باید کار کنند. نزدیک به ۶۰۰ نفر نویسنده از معلمان، استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه ها عضو تحریریه مجلات رشد هستند. مجلات نیازسنجی و نظرخواهی از مخاطبان دارند. نویسنده ها هم از ذائقه و نیاز مخاطب باخبرند. در چند سال اخیر حتی به تحریریه ها که شورای برنامه ریزی و داوری هستند، توصیه شده است که بیش از ۲۵ درصد محتوای مجله را به مطالب خودشان اختصاص ندهند تا محتوا و موضوعات و مطالب مجله متنوع و مسئله محور و آینده نگرانه باشد. حتی اصرار بر این است که خود معلم ها برای معلم ها بنویسند؛ شعار ما این است که مشاورها برای مشاورها بنویسند. برای همین، ما به شهرهای مختلف می رویم. در خود مجله هم می گوئیم از همه مخاطبان می خواهیم که کار کنند و مقاله بنویسند. مجلات رشد سابقه ای طولانی دارند. از نظر قدمت و حجم و تنوع مجلات آموزشی چهل سال و اندی است که ما مجله داریم و در خاورمیانه، اول هستیم و در دنیا از نظر تعداد و مجله آموزشی کم نظیریم.

در هیچ جای دنیا نداریم که این همه مجله دولتی برای خدمت به آموزش و پرورش عمومی و تخصصی فرزندان یک کشور چاپ و منتشر شود. اما درباره جهت گیری آموزشی به ویژه تحمیل های آموزشی کنکور، باید بگویم که این مسئله به آسانی تغییر نمی کند. اکنون عامل مهم فشار

به آموزش و پرورش خود خانواده ها هستند. باید اول روی خانواده ها کار کنیم که این قدر به بچه ها فشار نیآورند برای قبولی در رشته های پزشکی و مهندسی و حقوق در دانشگاه! اگرچه در چند سال اخیر رفته رفته گرایش به رشته های انسانی مثل علوم قرآنی، فلسفه، الهیات، روان شناسی و مشاوره و تاریخ زیاد شده است. خوب است که یکی از دوستان همین مسئله را آمارگیری و تحلیل کند که این تغییر نگرش چطور به وجود آمده و چگونه است که از نظر مردم دیگر خوشبختی بچه ها به مهندس و وکیل و دکتر شدن نیست بلکه خوشبختی و سعادت اسباب دیگری هم دارد. روی این مسئله باید بیشتر کار شود.

شهاب فطین: عضو گروه آموزشی مشاوران استان: پیشنهاد می دهم در هر استان دفتری برای حمایت از فصل نامه تان تأسیس کنید؛ به خصوص در گروه مشاوره. اگر می خواهید مشاور مقاله بنویسد و آن را در مجله چاپ کنید؛ یکی از شروط آن می تواند این باشد که در هر استان دفتر یا شاخه ای ایجاد کنید یا از سرگروه های آموزشی بخواهید که این کار را انجام دهند، و مقاله های رسیده را بررسی کنند و مقاله های خوب ارسال شوند و از آن ها حمایت کنید. فکر می کنم این پیشنهاد خوبی باشد و بتواند رشد مشاور را ارتقا ببخشد.

مسئله دوم اینکه به نظر من بخشی از تسهیلات غیرنقدی را که وزارت آموزش و پرورش به معلمان و مشاوران ... می دهد، به این مجلات اختصاص دهند. مجلات را رایگان برای مشاوران بفرستند تا هر مشاور یک مجله دریافت کند.

سالی یک بار هم مسابقه علمی اینترنتی برگزار کنید. از محتویات همین مجلات، مثلاً در یک سال گذشته - سؤالاتی را طراحی کنید و در سایت بگذارید و یک مسابقه برخط (آن لاین) برگزار کنید. می توانید برای اینکه انگیزه ایجاد کند، گواهی یا جایزه ای مثل هزینه سفر عتبات به آن اختصاص دهید.

چند جمله ای هم می خواهم درباره سند تحول بنیادین صحبت کنم. طبق فرموده شما، استادان بزرگوار و با سوادی روی این سند کار کرده اند اما ای کاش این افراد مطالعات فرهنگ شناختی انجام می دادند که چرا خانواده ها اصرار دارند فرزندانشان وارد رشته پزشکی شوند. بن مایه های فرهنگی این قضیه بررسی شود که دلیل این امر چیست. به نظر من هیچ یک از این استادان در مدرسه کار نکرده اند. بیایند عملاً ببینند در مدارس چه چیزی جاری است؟ تربیت الان در مدارس چگونه شکل می گیرد و هست؟ تحول بنیادین به اعتقاد من تحول شکل و ساختاری است؛ تحول محتوایی نیست. سند محتوا محور نیست و این برنامه ها، شکلی و ساختاری است. محتوا همچنان سر جای خود باقی است. من پیش نیازهای تحول را چند چیز می دانم:

یکی اینکه فکری به حال کنکور شود. کنکور باید حذف شود و شیوه حذف و چگونگی آن مورد مطالعه جامع قرار گیرد. من ۲۷ سال است مشاورم. می بینم مثلاً پدری ۲۱ میلیون تومان هزینه کرده است که فرزندش وارد رشته پزشکی شود.



داستان: فلسفه وجودی مجله رشد مشاور مدرسه این است که مشاورها با مطالعه آن بتوانند مشکلات دانش آموزان و مدرسه را حل کنند، اما متأسفانه مجله این کاربرد را ندارد

ابوالفضل نفر: عامل مهم در جهت گیری آموزشی و کنکور دانشگاه‌ها، فشار خود خانواده‌ها به آموزش و پرورش است. باید روی خانواده‌ها کار شود که این قدر برای رفتن بچه‌هایشان به دانشگاه در رشته‌های پزشکی و مهندسی به آن‌ها فشار نیاورند

را سامان دهی و استانداردسازی کند. دولت (وزارت آموزش و پرورش) هیچ‌گاه سرمایه‌های بخش خصوصی را نادیده نمی‌گیرد و سعی می‌کند به این سرمایه‌ها جهت درست بدهد؛ یعنی اصلاح کند، تغییر دهد و تصحیح کند و با ارائه استانداردها و مشاوره به آن‌ها آسیب‌های احتمالی بر شرایط فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها را کاهش دهد. تلاش می‌شود آسیب‌های فرهنگی که به فرهنگ یادگیری و چرخه معلمی و آموزش و تربیت وارد شده کاهش یابند. این مسائل در جشنواره‌ها مطرح می‌شود. ما می‌دانیم که این مؤسسات به همان نسبت که خدمات بزرگی انجام داده‌اند، آسیب‌های بزرگی را هم وارد کرده‌اند، اما درصدد حذف این سرمایه‌های بزرگ نیستیم. بسیاری از افراد این مؤسسات نگران بودند و می‌گفتند که ما این همه خدمت کردیم؛ این همه بچه‌ها در آزمون‌ها و المپیادها از کتاب‌های مفهومی و مشاوره و راهنمایی‌های ما استفاده کرده‌اند؛ آیا ما هیچ سهمی نداشته‌ایم؟ بهره‌وری یعنی اینکه، ضایعات ما کمتر و ارزش افزوده‌مان بیشتر باشد.

متأسفانه باید بگویم خیلی از بهترین‌های آموزش و پرورش الان در خدمت شیوه و رویکرد همین مؤسسات هستند. این‌ها سرمایه‌های ما هستند که باید مدیریت شوند. آموزش و پرورش به سهم خود وارد شده است و سایر بخش‌های دولت هم باید کمک کنند. مثلاً وزارت ارشاد باید از کارشناسان خود با همراهی کارشناسان آموزش و پرورش برای بررسی و احیای اجازه نشر دادن به این کتاب‌ها استفاده کند. از طرفی، تحول بنیادین برای همین‌ها آغاز شده است. اجازه دهید به این وضعیت متمرکزی که کتاب‌های درسی را تهیه می‌کنند و می‌نویسند، پایان دهیم. به سلطنت کتاب‌های درسی پایان دهیم. ما بسته آموزشی را می‌آوریم و می‌خواهیم هرکسی که توانا است، بتواند کتاب درسی بنویسد. معلم شیمی من در دوره دبیرستان شبانه، بازاری بود اما به قدری جذاب تدریس می‌کرد که هنوز هم حظ این درس در جان من هست.

برای شروع چند تألیفی در دو سه سال اخیر، کتاب حرفه‌وفن را به

یا خانواده‌های پول‌دارتر به فرزندشان می‌گویند که واحد بین‌الملل را انتخاب کن و ۱۳۰ میلیون تومان هزینه تحصیل در رشته پزشکی را متقبل می‌شوند.

وقتی از تربیت سخن می‌گوییم، یعنی می‌خواهیم ابعاد مختلف شخصیتی انسانی پرورش دهیم. اما ببینید الان چه می‌کنیم. همه آموزش‌های مدرسه‌ای ما حافظه‌محور است و باعث می‌شود ما به آن اهداف انسانی نرسیم.

بحث بعدی مربوط به مدارس خاص است. برای خود من به‌عنوان مربی جای بحث است که مؤسسه خاصی آمده و برای پایه دوم ابتدایی کتاب چاپ کرده است و آزمون برگزار می‌کند- البته به پایه اول کاری ندارد. من تعجب می‌کنم که دستگاه عظیم آموزش و پرورش در مورد این‌ها مطالعه نمی‌کند. بچه‌ای را که در کلاس دوم می‌خواهیم به کنجاوی‌اش پاسخ دهیم، تست محور می‌کنیم؛ به جای پرورش تعقل و تفکر، باید تست بزند! باوجود این مسائل، جدا نمی‌توان تحول بنیادین ایجاد کرد. دغدغه خانواده‌ها از دوم ابتدایی این است که فرزندم تیزهوشان قبول شود و برای همین او را از این کلاس به آن کلاس می‌برد. اصلاً به این فکر نمی‌کند که فرزندم پژوهشگر شود، کنجاو و خردورز بشود یا از لحاظ دینی رشد کند! نفر: درباره مؤسسات کنکوری می‌خواهم گزارش بدهم. بالغ بر ده سال است که سازمان پژوهش جشنواره کتاب‌های کمک‌درسی و آموزشی برگزار می‌کند و دفتر انتشارات کمک آموزشی عهده‌دار این مسئله است. حتی، من هم یک دوره سرگروه دآوری کتاب‌های کمک‌آموزشی فلسفه بودم. کتاب‌های مختلفی از سراسر کشور از همین مؤسسات کنکوری و حوزویان و دانشگاهیان و آموزش و پرورش‌ها می‌آید و بررسی و ارزش‌گذاری می‌شود. در جلسه پایانی جشنواره هم کتاب‌های برتر و ممتاز معرفی می‌شوند و به مؤلفان جوایزی داده می‌شود. وزارت آموزش و پرورش درصدد است سرمایه عظیم به‌وجود آمده در بخش خصوصی کتاب‌های کمک‌آموزشی



شهاب فطین: در هر استان دفتری برای حمایت از فصل نامه رشد مشاور مدرسه داشته باشید

ابوالفضل نفر، عضو هیئت تحریریه مجله رشد مشاور مدرسه: اصرار ما بر این است که مشاوران برای مشاوران بنویسند

است؛ امیدواریم به این‌ها توجه شود. **نفر:** ما این مسائل را منعکس می‌کنیم. همان‌گونه که شما می‌دانید، علوم انسانی وارداتی است؛ مثل مشاوره، روان‌شناسی، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی. اکنون در دانشگاه علامه که دانشگاه علوم انسانی است این علوم در حال تصحیح است و امیدوارم خود شما هم چنین کاری بکنید، یعنی وارداتی‌ها را نقد کنید. امثال شما که دغدغه ایمانی دارید، گروه‌های سه چهار نفره تشکیل دهید و با هم کار کنید. ده سال بعد حتم دارم خود شما می‌توانید پاسخ‌گو باشید که دیگر چیزی در حد حرف باقی نماند. **خانم معز:** من چندین مقاله کار کرده‌ام. سال گذشته هم تحقیقی در میان دانش‌آموزان در مورد کاربرد اینترنت و شیوه‌های استفاده از آن انجام دادم. مطلبی است که به‌نظر من احتمال چاپ آن در مجله هست. اگر الان در مورد تأثیر ماهواره و ساعات استفاده آن بر والدین و فرزندان یا نقش آن‌ها در هویت‌یابی و انتقال فرهنگ مقاله تهیه کنم، شما آن‌ها را چاپ خواهید کرد؟

نفر: سرکار خانم معز سؤال بسیار خوبی فرمودند. ایده‌های خوبی هم دارند. جغرافیای محدود و مناسبی را هم انتخاب کرده‌اند که بسیار حرفه‌ای است. چراکه حوزه کاری شما اغلب مدرسه است و با مسئله‌های خاصی روبه‌رو هستید و با ابزارها و روش تحقیقی که دارید، می‌توانید پژوهشی را کار کنید.

من به‌عنوان ناظر محتوا با سردبیرها گاهی بر سر غیرکاربرد بودن مقالات بحث می‌کنم که مثلاً این مقاله از نظر علمی اعتبار بالایی دارد، یا در یک پژوهش اصول روش تحقیق رعایت شده، همه چیز خوب است، قابلیت آموزش هم دارد سودمند هم هست اما چه تناسبی با مخاطب مجله دارد؟ مثلاً مخاطبان فلان مجله، دبیران علوم اجتماعی یا مدیران مدرسه هستند. باید اثری را به‌دست مخاطب برسانیم که به او راهبرد حل مسئله‌ای را پیشنهاد دهد، کمکی بکند، ایده و زاویه دیدی بدهد و بتواند آسیب‌ها و

مازندران، عربی را به کرمان، مهارت‌ها را به قزوین و آذربایجان شرقی سفارش دادند. درباره اینکه چرا از ساختار شروع شده است باید بگویم که باید از دبستان‌ها شروع می‌شد و یکی از مراحل ابتدایی طرح تحول همین است که از ساختار شروع شود. من خواهش می‌کنم قدری در داوری‌ها تأمل کنیم و فرصت بدهیم.

مطالعاتی انجام شده، جناب فطین فرمودند که این‌ها فقط داستان‌هایی است که روی کاغذ می‌آید. ما هم افرادی مثل خود شما هستیم؛ منتها در مرکز فعالیت می‌کنیم. شما هم همکار ما در این استان هستید. بنابراین، باید حرف زده شود و شما هم باید بگویید. در مجله رشد آموزش علوم اجتماعی بچه‌ها هم اظهار نظر کرده‌اند. پس به بچه‌ها هم نقش داده شده و آن‌ها هم به بازی گرفته می‌شوند چه برسد به معلم‌ها و کارشناسان استانی و مشاوران که سرمایه فرهنگی کشورند.

ما سرمایه‌های انسانی فراوانی در سراسر کشور داریم و باید مدیریت منابع انسانی‌مان را تصحیح کنیم. اکثر استادان موفق، صالح و خوب دانشگاه آزاد از همین معلم‌ها هستند. چراکه سطح زبانی و خوانش و فهم و سطح فکر بچه‌ها را می‌شناسند، گفتمان آن‌ها را می‌دانند و به‌راحتی با دانشجویان ارتباط کلامی و زبانی و عاطفی معلمی برقرار می‌کنند.

شهاب فطین: در مورد ساختار به مواردی اشاره کردم اما خیلی هم بدبین نیستیم و معتقدم که بالاخره اقداماتی صورت گرفته است. مسئله بعد در مورد دروس مشاوره در دانشگاه فرهنگیان و جاهای دیگر است. من معتقدم که مشاور تنها یک وصف یا صنف نیست بلکه مشاور باید مربیگری بکند.

الان روان‌شناسی فقط توصیف‌کننده است. مثلاً فلان رفتار چگونه شکل گرفته، در حالی که جهت‌دهی آن براساس نقش مربیگری خود ماست. پس لازمه آن این است که در درس‌های رشته مشاوره بازنگری شود. هنوز هم در دانشگاه‌ها سرفصل‌های بیست سال پیش تدریس می‌شود. محتوا هم همان

شهاب فطین: دغدغه امروز خانواده‌ها این است که فرزندشان از دوم ابتدایی وارد تیزهوشان شود. اصلاً به این فکر نیستند که بچه‌هایشان کنجاو و خردورز شوند و از نظر دینی رشد کنند

ابوالفضل نفر: مشاوران خودشان باید جایگاهشان را بیابند. حق گرفتنی است؛ جایگاه نداشتن به خود ما برمی‌گردد. چرا امروز مدیران و دبیران ریاضی فیزیک و شیمی جایگاه دارند؟ برای اینکه نیاز بچه‌های مردم را در رقابت کنکور برطرف می‌کنند

منشأ آن‌ها و راه جبرانشان را پیدا کند و در مشورت‌گری به خانواده‌ها مؤثر و فعال باشد.

مشاوران خودشان باید جایگاهشان را بیابند. حق گرفتنی است؛ جایگاه نداشتن به خود ما برمی‌گردد. چرا امروز مدیران و دبیران ریاضی فیزیک و شیمی جایگاه دارند؟ برای اینکه نیاز بچه‌های مردم را در رقابت کنکور برطرف می‌کنند. با عرض پوزش از اینکه این را می‌گوییم، برخی دانش‌آموزان و حتی مدیران می‌گویند بعضی مشاورهای ما در مدارس دست روی دست می‌گذارند و دغدغه‌ای ندارند؛ این اصلاً خوب نیست. حتماً شما با این حمیت و غیرت از صنف خودتان دفاع می‌کنید. می‌توانید از همکار مشاور خود بپرسید که شما که چند سال است در مدرسه فعالیت می‌کنید، تاکنون چه کارهایی انجام داده‌اید؟ چه برنامه فشرده، کلی، یا کوتاه پیشگیرانه‌ای داشته‌اید تا بچه‌ها گرفتار اعتیاد، قاچاق، فرار از خانه و... نشوند؟ از همکارانتان راهکار، برنامه، مشورت و راهنمایی بگیرید و به هم کمک کنید تا مدارس و مردم ارزش مشاوران را بیشتر و بهتر مشاهده و لمس کنند. البته آسیب‌ها بیشتر در کلان‌شهرها اتفاق می‌افتد و شکر خدا در اینجا هنوز بیشتر مردم پیوند خوبی با هم دارند، چشم‌ها از هم حیا می‌کنند و بازدارندگی‌های سنتی هنوز کارآمدی دارد اما در کلان‌شهرها دیگر هیچ‌کس دیگری را نمی‌شناسد. بنابراین اتفاقات بدی هم می‌افتد. همه این مسائل می‌توانند سوژه تحقیق باشند؛ یعنی در کلان‌شهرها مهارت‌های ویژه‌ای لازم است که این بعهده هسته‌های مشاوره و مشاوران آنجاست که پژوهش کنند و روی بچه‌ها کار کنند.

خانم معز: اگر مطلبی باعنوان میزان استفاده خانواده‌ها از ماهواره و همچنین مسائل خانواده، کار کنیم، آیا آن را چاپ می‌کنید؟

نفر: ما می‌خواهیم در رشد مشاور، مشاورها درباره بچه‌ها، خانواده‌ها، فضای مدرسه، تربیت پنهان و... برای مشاورها بنویسند. علاوه بر مشاور مدرسه، رشد معلم هم به خانواده‌ها می‌پردازد. حتی ما رشد آموزش علوم اجتماعی را هم برای انتشار چنین مطالبی داریم و آن‌ها هم استقبال می‌کنند. این عنوان که شما می‌فرمایید، عنوان خوبی است اما اگر ریزتر شود بهتر است؛ مثلاً شهر اردبیل، یا این منطقه حوزه تحقیق شما باشد. بعد در گزارش چکیده هم بیاورید و پیشنهادهای و نتایج را که اولیا یا فرزندان این مدارس چه وضعی از نظر اقتصادی یا فرهنگی دارند.

خانم پویانیا: اگر صفحه‌ای از مجله را به این اختصاص دهید که هر مشاور تجربیات و مطالعات موفق یا ناموفق خود را در آنجا ارائه دهد، بسیار خوب است. مشکل اینجاست که ما در جلسات خوب بحث می‌کنیم، اما وقتی پای عمل به میان می‌آید، کارآمد نیستیم. ما به تعداد دانش‌آموزان شخصیت، ایده و روش داریم، بنابراین اگر بشود بخشی را در مجله قرار دهید که به موضوع تجربیات مشاوران مربوط باشد، بسیار خوب است.

نفر: در مجموعه رشد، ما جلسات نقد هر مجله را برگزار می‌کنیم. در آنجا به سردبیران توصیه می‌شود که همه مجله شما مقاله نباشد. بهتر است چهار یا پنج صفحه تجربه مشاوران در ایران یا خارج کشور، آورده شود. خود شما چند سال در مدارس راهنمایی، دبیرستان و تربیت معلم

بوده‌اید. متأسفانه معلم‌ها و مشاورها تجربه‌هایشان را برای خودشان هم ثبت نمی‌کنند. به هر حال سردبیرها هم گله‌مندند. بنابراین خانم پویانیا، خود شما یکی از تجربه‌هایتان را برایمان بفرستید. اشکالی هم ندارد که در آن تجربه حتی مددکاری کرده باشید. حداقل در علوم اجتماعی یا معلم چاپ می‌شود.

خانم پویانیا: این کار با شیوه‌های بسیار ساده امکان‌پذیر است. الان طرحی در آموزش و پرورش است که کسی که بعد از ۲۵ سال به درجه عالی می‌رسد، از او تجربه عملی می‌خواهند. به نظر من بسیار جالب است که این تجربه‌ها را از مشاوران بگیرند.

نفر: خانم پویانیا منتظر پژوهش و تجربه شما هستیم.

اصلائی، مدیر مرکز مشاوره استان: به نظر من یکی از موضوعات این است که محدودیت نویسنده در این فصل‌نامه‌ها به چشم می‌خورد و در همه مجلات، به خصوص مشاور مدرسه، افراد معدودی مطلب می‌نویسند.

اگر بخواهم به شکل شفاف‌تر بگویم، مجله مشاور مدرسه در جذب و مشارکت دادن مشاوران سطح کشور ناموفق بوده و نتوانسته است مشاوران را وارد صحنه کند و از آن‌ها بهره ببرد. همکار عزیز فرمودند که تجارب زنده و موردی همکاران را گزارش دهند. این یکی از محدودیت‌های مجلات است. خود من مدت‌هاست که مطلبی را ارسال کرده‌ام و منتظرم که به ایمیل من پاسخ دهند که هنوز هم پاسخی دریافت نکرده‌ام. تنها افراد خاصی هستند که پی در پی مطالبشان چاپ می‌شود و به مطالب سایرین هیچ پاسخی نمی‌دهند.

نفر: فردا شما پیامکی با اطلاعات کامل به من بدهید که من بررسی کنم و از خانم اسلامی، مدیر داخلی مجله، در رابطه با ایمیل شما بپرسم.

شاکری، از ناحیه یک اردبیل: بهتر است بعد از اینکه مقاله‌ها به‌دست شما رسید، پیامی دهید یا خبر دهید که مثلاً مقاله به‌دست ما رسیده یا بعد از چند روز تأیید اولیه یا تأیید نهایی شده یا مورد قبول قرار نگرفته است ولی متأسفانه من دو سال است که نمی‌دانم مقاله و پژوهش چه شده است.

اصلائی: در مجلات رشد به مباحث بومی و فرهنگ رفتاری ایرانی در مباحث تخصصی مشاوره اصلاً پرداخته نشده است. نگاه، نگاه ترجمه‌ای است و پژوهش‌ها هم براساس نظریات و پژوهش‌هایی است که مبنای آن‌ها غربی است و همان‌ها را هم منعکس کرده‌اند. مشاوره امری فرهنگی است و نمی‌توان عناصر فرهنگی را از کار مشاوره حذف کرد. در هر جا الزامات خاصی وجود دارد. اگر می‌خواهیم دانش و مهارت مشاوران را با این مجلات افزایش دهیم، می‌بایست به بحث فرهنگ و الزامات آن بیشتر بپردازیم.

نفر: البته ما باید به منابع خودی مراجعه کنیم. توقع ما در مجلات علوم انسانی همین است که از منبع قرآن و سنت استفاده کنیم. اما این کار هر کسی نیست و همه‌کس صلاحیت این کار را ندارد. شما به تفاسیری که بر قرآن و شروعی که بر احادیث نوشته شده نظیر آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری و امام خمینی و رهبری مراجعه کنید. امام رضا (ع) فرمودند: خداوند فرموده است [حدیث قدسی]: «کلمة لا اله الا... حصنی، و باز امام (ع) فرمودند: «امر ما را احیا کنید...» امروز ما می‌بینیم که بشر از نامنی نگران است. نهاد مشاوره برای این است که انسان‌ها امنیت روانی‌شان را

جدی بگیرند. از این رو ما به دنیا اعلان می‌کنیم که امنیت را کلمه توحید (لااله الا الله) و توحید کلمه (ولایت الهی) تأمین می‌کند. بشر تا به فطرت توحیدی خود برنگردد، به آرامش نمی‌رسد. این همان رویکرد اصلی طرح تحول بنیادین است؛ یعنی شکوفایی فطرت توحیدی.

شما «زندان و مجازات» میشل فوکو را بخوانید و ببینید در صد سال پیش در فرانسه با بیماران روانی یا کسانی که اختلالات ساده‌ای داشتند و به سادگی قابل درمان بودند، از طریق رفتار درمانی خشن بر پایه توهامات خودشان چگونه برخورد می‌کرده‌اند.

اصلائی: مسئله علوم انسانی و لزوم نظریه‌سازی در این حوزه، مسئله بعدی است. مرجع علوم دانشگاهی ما غربی است. من اگر بخواهم پایان‌نامه کار کنم، به من می‌گویند به سایت کشورهای غربی مثل آمریکا برو و بین در چه حوزه‌هایی کار می‌کنند و آخرین تغییرات چیست بعد بیا در مورد این‌ها در ایران تحقیق کن. یعنی، ما باید یافته‌های آن‌ها را تأیید یا رد کنیم. همان‌گونه که می‌دانید، بر حوزه علوم انسانی، قبلاً کلیسا حکومت می‌کرد و در رنسانس گفتند کلیسا به کنار، اومانیسیم جای آن را گرفت.

بعد اومانیسیم در ماهیت خود دو شاخه شد: یکی بعد اجتماعی انسان را در نظر گرفت که کشورهای شرقی روسیه و چین در این حوزه کار کردند و به آن‌ها سوسیالیست... گفتند و یکی در کشورهای غربی بود که روی بعد فردی انسان تکیه کردند و به آن‌ها ایندیویدوالیست گفتند. آن‌ها با کنار گذاشتن خدا، انسان را مبنای تصمیم‌گیری قرار دادند و منشأ قوانین دانستند. الان هم کل علوم غربی در خدمت خواهش‌ها و تقاضاهای غریزی و روانی انسان است. ما در جامعه اسلامی وقتی می‌خواهیم انسان را تربیت کنیم (حتی هنگام مشاوره)، باید سه چیز را در نظر بگیریم: یکی ارتباط

انسان با خدا که اگر یک مثلث را ترسیم کنیم یک ضلع خداست، ضلع دیگرش جامعه و دیگری فرد است. چنانچه ارتباط انسان با جامعه قطع شود، فرد دچار بیماری می‌شود. فردی که ارتباطش با جامعه قطع شد، رفته‌رفته با خود حرف می‌زند و دچار توهاماتی می‌شود. از طرفی فردی که ارتباطش با خدا قطع شد زندگی برایش بی‌معنی می‌شود. ما در جامعه غربی می‌بینیم که انسان‌ها ارتباط خود را با خداوند قطع کرده‌اند، در نتیجه معنایی برای زیستن و حرکت ندارند. بزرگ‌ترین مشکل آن‌ها خودکشی و افسردگی است. پس جامعه غربی نتوانسته انسان را به آن آرمان شهری که انتظار داشت، برساند. به همین خاطر آن‌ها شکست خوردند. هر چند که ساختمان‌های بلند ساختند و توانستند فضا را تسخیر کنند اما در زمینه انسانی چندان موفق نبوده و نتوانسته‌اند جوامع انسانی خود را اداره کنند.

مشاوره‌ای که می‌خواهیم اینجا بسازیم یا نظریه‌ای که می‌خواهیم به وجود آوریم، باید بر مبنای دین و قرآن باشد.

علم دو بعد دارد: اول: بعد نظری، دوم: بعد تحقیقاتی و پژوهشی. اگر من بخواهم مقاله‌ای بنویسم، شما می‌گویید باید پیشینه تحقیق را هم بگوی؛ در حالی که در چنین مواردی پیشینه‌ای نیست که به آن اشاره کنم. اگر بخواهم مطلب تازه‌ای را ارائه دهم و ابداع کنم، امکان دارد در آینده خودم زیر سؤال بروم. لذا اگر می‌خواهید ما به خودمان جرئت دهیم و نظریه‌پردازی

کنیم، باید فضای بازی به وجود بیاید که از حرف افراد سوء تعبیر نشود. **نفر:** فکر نمی‌کنم منظور شما از ممنوعیت، منع حکومتی یا دولتی باشد. تصور این است که ابتدا باید چارچوب‌ها به تأیید اولیای دین برسند سپس بر آن اساس تحقیق کنیم تا به علوم انسانی اسلامی برسیم. عده‌ای در جامعه علمی کشور اعتقادشان بر این است که منبع باید جوامع علمی غربی باشد! در حالی که سرچشمه علم وحی الهی است نه نظریه‌های متعارض غربی یا شرقی!

اسلامی، مشاور شاهد ۲ اردبیل: شما کار یک لشگر را [در رشد] انجام می‌دهید. من در نشریات کار کرده‌ام و با سختی‌ها آشنا هستم. سرمقاله‌های خانم نفر را حتما می‌خوانم و بسیار هم لذت می‌برم، اما مسئله‌ای وجود دارد. نحوه توزیع و شمارگان مجله در جاهایی که من دیده‌ام، بسیار نامناسب بوده است. بعضی از مناطق را بیشتر از سایرین تحت پوشش دارید. در مقابل، در بعضی منطقه‌ها فقط پنج یا شش نسخه می‌آید. امیدوارم با پیشنهاد آقای فطین بتوانید تغییراتی به وجود آورید؛ به طوری که تنها در پشت مجله نیاید که شما می‌توانید مشترک مجله شوید. اطلاع‌رسانی باید بهتر از این باشد. گفته می‌شود مطبوعات چراغ راه جامعه است. ما جامعه مشاوران احتیاج داریم که هم خوبی‌هایمان را ببینیم و هم کمبودهایی را که در گروه مشاوران وجود دارد. اگر این مجله فصل‌نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی است، من هیچ گزارشی از یک مشاور مدرسه یا فضای موجود مدرسه در آن ندیده‌ام، تا من مشاور که در اردبیل با وجود کمبودها کار می‌کنم، ببینم که مثلاً در استان دیگری مثل مرکزی هم فلان مسئله وجود دارد. چه اشکالی دارد که من بدانم همکارانم در سایر استان‌ها چگونه کار می‌کنند؟ دغدغه‌ها و چالش‌های مشاوره در آنجا چیست؟

من خودم در زنگان مدتی سردبیر بوده‌ام و سختی‌های بیشتر از این را هم دیده‌ام. شما که باز امکانات بهتری دارید اما با توجه به لوگویی که دارید، اگر اطلاع‌رسانی از جاهای مختلف باشد من مشاور هم می‌دانم دیگران چگونه کار می‌کنند، یا اگر بهتر از من کار می‌کنند من می‌دانم. این خود نوعی آموزش است.

نفر: اگر شما و آقایان اصلائی و خسروی و دوستانی که در مشاوره ناحیه هستی حلقه‌ای کاری علمی دارید و موضوعی را با حضور مشاوران به بحث و بررسی می‌گذارید و ارزش علمی هم دارد، گزارش آن را برای ما ارسال کنید

مجله مشاوره جلوه‌گاه همه مسائل اعم از آراء اندیشه‌ها، مبانی، مبادی و نتایج و پیامدها و پیش‌بینی‌هاست. این نقدها بسیار سازنده است، اما شما هم باید مقاله، گزارش و تحلیل بنویسید. ممکن است کسی از دو بیت شعر حافظ راهبرد تشخیص حل مسئله‌ای را به شکلی بکر و قشنگ استخراج کند. همین کافی است؛ مثل نوقان کرم ابریشم کم‌کم توسعه پیدا می‌کند. تولید کنید، بفروستید و گله نکنید که چرا چاپ نمی‌کنید.

اسلامی: تا شما این اطلاع‌رسانی به استان‌های مختلف را انجام ندهید، شاید افراد وزارت‌خانه که همگی از همکاران ما هستند متوجه بعضی مسائل نشوند. رسالت مجله شاید این باشد که اطلاع‌رسانی هم بکند.